

بینامتنیت نشانه‌های قیامت (اشراف الساعه) در قرآن و نهج البلاغه

احمد مسائلی* / زهرا منشئی**

تاریخ پذیرش: ۹۹/۹/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۲۹

چکیده

بینامتنیت (تناس) یکی از مهمترین مباحث زبان شناسی است که در دوره‌های اخیر بیشتر مورد توجه زبان شناسان قرار گرفته است، ضرورت پرداختن به این بحث به این جهت است که در فهم بهتر متون به ما کمک می‌کند. سوال اصلی این پژوهش بررسی مسئله بینامتنیت بین قرآن و نهج البلاغه در بحث اشراف الساعه می‌باشد و روش تحقیق روش مقایسه‌ای (تطبیقی) است. تناس در اشراف الساعه بین قرآن و نهج البلاغه در کتب مختلف به طور پراکنده در بعضی موارد به آن پرداخته شده است ولی به این صورت که کل قرآن مجید و نهج البلاغه در بحث اشراف الساعه مورد بررسی قرار گرفته باشد برای اولین بار در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است و نتیجه و نوآوری این تحقیق کشف وجود شش مورد تناس است که پنج مورد آن تناس نفی متوازی و یک مورد آن تناس از نوع نفی کلی می‌باشد و موارد افتراق سیزده مورد است.

واژگان کلیدی

قرآن، نهج البلاغه، اشراف الساعه، قیامت، بینامتنیت.

ahmadmasaeli@gmail.com

*. استادیار گروه معارف، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

Zmanshaei7@gmail.com

** . کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشگاه قرآن و عترت اصفهان، ایران

مقدمه

معاد پس از توحید از مهم‌ترین مباحثی است که تمام انبیاء از آدم تا خاتم به آن پرداخته‌اند و از اصول اعتقادی همه‌ی ادیان الهی است، ماجرای حضرت ابراهیم (علیه السلام) و درخواست وی در خصوص زنده شدن مردگان در معاد از پروردگار و زنده شدن دوباره پرندهگان و اندرزه‌های پیایی حضرت موسی (علیه السلام) به قومش به باره‌ی جهان دیگر و هم‌چنین گفتگوهای حضرت عیسی (علیه السلام) با پیروان خود، خود حاکی از اعتقاد به معاد در ادیان گذشته است. معاد در لغت در سه معنا بکار رفته است. الف) معنای مصدری: عود و بازگشتن (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲، ص ۳۵۱) ب) اسم مکان: مکان بازگشتن. ج) اسم زمان: زمان بازگشتن. (الخوری الشرتوتی، ۱۴۰۳، ص ۳۰۷)

(إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ أَلَّا تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا رَأَىٰ مِنْكُمْ يُبَدِّلُ مَا يَشَاءُ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا نَذِيرًا)

(مُؤْمِنِينَ) (قرآن ۲۸: ۵۸)

همانا، کسی که قرآن را بر تو واجب کرد به معاد باز می‌گرداند...

واژه‌ی معاد در اصطلاح متکلمان در دو معنا به کار می‌رود یکی به معنای عام آن که همه‌ی بحث‌های مربوط به عالم پس از مرگ را شامل می‌شود و معنای خاص آن که در خصوص سرای قیامت و آخرت است. معاد پس از توحید از مهم‌ترین مباحثی است که تمامی انبیاء از آدم تا خاتم همه به آن اشاره کرده‌اند و از اصول اعتقادی تمام مسلمانان است و کسی که به آن اعتقاد نداشته باشد از زمره مسلمانان بیرون است. (ربانی گلییگانی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۴)

در آستانه قیامت حوادثی رخ می‌دهد که حاکی از فرا رسیدن قیامت است که به نشانه‌های قیامت یا اَشْرَاطُ السَّاعَةِ موسوم است، اَشْرَاطُ جمع شرط به معنای علامت و نشانه است.

۱-۱- بیان مسئله پژوهش

در آستانه قیامت حوادثی رخ می‌دهند که به اَشْرَاطُ السَّاعَةِ یا نشانه‌های قیامت موسوم هستند. کلمه (اَشْرَاطُ) جمع شرط و به معنای نشانه و علامت است چنانچه در مجمع البحرین و اقرب الموارد و صحاح و قاموس آمده است و کلمه (السَّاعَةُ) به معنای قیامت و مصدر است و در مجمع البیان آمده است که (قام یقوم قیاما و قیامه) مثل (عاد یعود عیادا و عیاده) پس قیامت به معنای برخاستن و یوم القیامه به معنای روز برخاستن از قبرها و روز زنده شدن است. (قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۱۴)

نشانه‌های قیامت (اَشْرَاطُ السَّاعَةِ) از جمله مباحثی است که هم در قرآن مجید و هم در کتب آسمانی گذشته مثل کتب عهد قدیم و عهد جدید و هم چنین در روایات اهل البیت (علیهم السلام) و نهج البلاغه به آن



پرداخته شده است اما بیش از همه ی کتب آسمانی در قرآن مجید به نشانه های قیامت و بحث معاد پرداخته شده است. نشانه‌های قیامت یا اَشْرَاطُ السَّاعَةِ از دیدگاه پیامبر اکرم ﷺ و ائمه طاهربین (علیهم السلام) دور نمانده و سخنان گوهر باری در این مورد بیان نموده اند که در کتب حدیثی موجود است.

رویکردهای متعددی از قرآن و احادیث در باره ی قیامت و نشانه‌های آن موجود است که از آن جمله می‌توان رویکردهای هستی‌شناسی و کارکردی را نام برد. توجه ویژه‌ی روانشناسان دین در فواید اعتقاد به معاد و حیات دیگر و طرح اشرط الساعه حاکی از هماهنگی سیر تکاملی بشر و توجه آن به این بعد هستی‌شناسی ادیان الهی دارد. (در آمدی بر روان‌شناسی دین، ۱۳۹۴، ص ۱۵۵) معاد و اعتقاد به کیفر و پاداش اعمال نقش بزرگی در آرامش روحی و روانی و امنیت اجتماعی افراد بشر دارد. اشرط الساعه از جمله مباحثی است که امیر مؤمنان حضرت علی (علیه السلام) در نهج البلاغه در موارد متعدد به آن پرداخته اند که به عنوان مثال (..وتذلل الشم الشوامخ و الصم الرواسخ...) (خطبه ۱۹۵/۱) را می‌توان نام برد. در قرآن نیز آیات زیادی در باره ی اشرط الساعه یا نشانه های قیامت وجود دارد که از جمله‌ی آنها آیه شریفه (هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ) (قران کریم ۴۷: ۱۸) را می‌توان نام برد.

آیا آنها [کافران] جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان فرا رسد (آن گاه ایمان آورند)، در حالی که هم اکنون نشانه‌های آن آمده است .

با توجه به رویکرد مفسران در بیان اشرط الساعه و طرحی اموری که در نزدیک قیامت اتفاق می افتد و در آیات الهی و روایات از آن سخنی به میان نیامده می‌توان استنباط نمود که اشرط الساعه یک امر غیر توقیفی است .

با توجه به آنچه مطرح شد سوال اصلی این پژوهش عبارت است از اینکه نشانه های قیامت (اشرط الساعه) که در نهج البلاغه آمده است در قران هم مطرح گردیده است و سوالات فرعی عبارتند از نشانه های مطرح شده در مورد قیامت در قران مجید چیست و نشانه های مطرح شده در مورد قیامت در نهج البلاغه چیست .

۲-۱- پیشینه تحقیق

اگرچه بحث بینامتنیت بحث کاملاً جدیدی نیست و متفکران مسلمان و غیر مسلمان جهت توضیح متون مقدس از این روش بهره می‌برده‌اند ولی در خصوص مقایسه بینامتنیت قرآن مجید و نهج البلاغه در خصوص اشرط الساعه کاری انجام نشده است و این تحقیق برای اولین بار به این مهم پرداخته است.

گرچه در منابع حدیثی مانند بحار الانوار، امالی شیخ مفید..... و تفسیری مانند مجمع البیان مرحم طبرسی و منهج الصادقین و تفسیر المیزان و غیره اصل بحث اشراط الساعه مطرح شده است ولی در هیچ جا تمام اشراط الساعه جمع آوری نشده است.

۱-۳- ضرورت و اهمیت پژوهش

فهم یک متن تنها با توجه به روابط درون متنی کار ساز نمیباشد و بایستی به رابطه متن با دیگر متون نیز توجه کرد به طوری که خواننده را در درک عمیق تر و فهم بهتر از متن یاری کند هدف ما در این مقاله بررسی و تطبیق اشراط الساعه یا نشانه های قیامت و فهم مبانی آن در قرآن و نهج البلاغه است و تلاش می شود با بررسی و مقایسه کلام وحی الهی و سخنان گوهر بار امیرالمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) در کتاب وزین نهج البلاغه در فهم هر چه بهتر این مفاهیم در وسع و اندازه خود کوشا باشیم.

بحث

نظریه بینامتنیت یا تناص به بررسی متونی می پردازد که متون دیگر را پدید می آورند و هر متن ادبی را به منزله ی جذب و دگرگون سازی دیگر متون گذشته و یا همزمان با آن می دانند. (متونی که از دل آنها متن های دیگر پدید می آیند).

در یک تقسیم بندی روابط بینامتنیت (تناص) به سه نوع تقسیم می شوند :

تناص اجترار (نفی جزئی)

تناص امتصاص (نفی متوازی)

تناص حوار (نفی کلی)

عملیات بینامتنیت در متن نهج البلاغه نشان می دهد امام (علیه السلام) گاه از کل آیه و گاهی از قسمتی از آیه و یا کلماتی از آن بهره جسته اند تا هدف خود را بهتر به مخاطب برسانند.

روش این پژوهش روش تطبیقی یا مقایسه ای است به این صورت که در ابتدا با مراجعه به قرآن آیات مربوط به اشراط الساعه را استخراج نموده، در مرحله دوم اشراط الساعه در نهج البلاغه مورد بررسی قرار می گیرد و در پایان تطبیق بین این دو متن مقدس انجام می شود و در بخش نهایی نتیجه گیری می شود.

۲-۱- کاربرد کلمات در متون

بشر با توجه به پیدایش و پیشرفت علوم با مشکل اساسی مفاهیم لغوی و اصطلاحی در علوم مواجه است که بر همین اساس قبل از هر پژوهش یا بررسی علمی می بایستی مفاهیم به کار رفته در پژوهش تحلیل شود و معانی مورد نظر از آن کلمات مشخص گردد. (مسائلی، ۱۳۸۱، ص ۳۰) در قرآن قیامت با



نام‌های متعددی آورده شده است و تعبیرهای گوناگونی برای قیامت و نشانه‌های آن بکار برده شده است که قبل از پرداختن به آنها نیاز به یک بررسی زبان‌شناسی است. این بحث زبان‌شناسی را در محور کاربرد کلمات در حوزه گوهر معنایی، معنای استعمالی و معنای اصطلاحی دنبال می‌کنیم. کاربرد کلمات با واژه‌ها در متون یا در تمام زبان‌ها دارای حالت‌های متفاوت است. این کاربردها ممکن است به سه صورت اتفاق بیفتد.



۲-۱-۱- گوهر معنایی

مقصود از روح و گوهر معنا مفهوم اولیه و بسیطی است که به شکل‌های گوناگون در آمده و در قالب مصادیق متعدد عرضه شده است و در تمامی معنای استعمالی و اصطلاحی جریان دارد، با درک روح معنایی یا گوهر معنایی تفاوت کاربردهای استعمالی الفاظ و ظرافت‌های موجود در الفاظ مترادف روشن می‌گردد.

الفاظ بکار برده شده در زبان‌ها گاه دارای بیش از یک گوهر معنایی هستند که ممکن است دارای دو یا سه گوهر معنایی باشند. گوهر معنایی از راه‌های گوناگونی بدست می‌آید که کشف آن با مراجعه به کتاب‌های لغتی که به این امر پرداخته‌اند و اقدام به کشف معنای کلمات نموده‌اند مانند (معجم مقاییس اللغة) احمد بن فارس یا بررسی موردی الفاظ و کشف گوهر معنایی امکان دارد به عنوان مثال گوهر معنایی واژه (کفر) پوشاندن است که در موارد متعدد با معنای متفاوت استعمال شده است (مسائلی، ۱۳۸۱، ص ۳۰) (مسائلی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۴) (الشرتوتی، بی تا، ص ۱۰۹۲)

۲-۲- گوهر معنایی اشراف و معنای اصطلاحی قیامت

شرط: شرط بفتح (ش) به معنای علامت و جمع آن اشراف است چنانچه در مجمع البحرین و اقرب الموارد و قاموس و صحاح آمده است و در سوره مبارکه محمد آیه ۱۸ آمده (فقد جاء اشرافها) آیا جز به ساعت منتظراند که ناگهان آید و حقا که علائم (نشانه‌ها) آن آمده است.



قیامت: کلمه قیامت مصدر است در مجمع گوید: (قام یقوم قیاما و قیامه) مثل (عاد یعود عیادا و عیاده) پس قیامت بمعنی برخاستن و یوم القیامه بمعنی روز برخاستن از قبرها و روز زنده شدن است. راغب در مفردات می گوید تاء آن برای دفعه است و دلالت بر وقوع دفعی آن دارد، این لفظ بنا بر شمارش کتاب المعجم المفهرس مجموعا هفتاد بار به همراه کلمه (یوم) آمده است. (قریشی، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۱۴)

کاربرد معنای اشراط در بحث پیش رو به عنوان یک گوهر معنایی و کاربرد قیامت به عنوان یک مفهوم اصطلاحی است.

۲-۳- اشراط الساعه در قران مجید

در آغاز به بیان اشراط الساعه به صورت اجمالی در قران مجید می پردازیم و سپس به بررسی تفصیلی اشراط الساعه در قران مجید مبادرت خواهیم نمود.

۲-۳-۱- تقسیم بندی آیات به صورت اجمالی در زمینه اشراط الساعه

نسخه صور (سبزه آیه) ۲- خروج یاجوج و ماجوج (یک آیه)

حوادث آسمان - طی السماء - شکافته شدن آسمان - آشکار شدن دود در آسمان - مور سماء - دکه آسمان - سما کالمهل (نه آیه)

حوادث کوه ها - سیر کوه ها - کالعهن - کثیب مهیل - عهن منفوش - نسف جبال - هباء منبث شدن - رجف جبال (هشت آیه)

حوادث زمین (بارز گردیدن زمین - دکه زمین - رج زمین - مد زمین - زلزال زمین - رجف زمین) (شش آیه) ۶- قیام صاحب الزمان عجلت (در موارد متعدد)

تخریب سد ذوالقرنین (یک آیه) ۸- دابه الارض (یک آیه)

حضرت محمد صلی الله علیه و آله (موارد متعدد) ۱۰- حوادث در مورد انسان (برق بصر - رجف قلب - خشوع ابصار) (سه آیه)

حوادث در مورد قمر (خسف قمر - جمع شمس و قمر)

حوادث نجوم (طمس نجوم - انکدار نجوم - انتشار کواکب) (سه آیه)

تکویر شمس (جمع شمس و قمر) (دو آیه) ۱۴- دریاها (آتش گرفتن دریاها - تفجیر دریاها) (سه آیه)

۱۵- عطل عشار (یک آیه) ۱۶- فنا موجودات (یک آیه)

خروج سفیانی (شش آیه)

اشراف الساعه در قران مجید به صورت تفصیلی

ترتیب فعلی اشراف الساعه در ذیل بر اساس ترتیب سور فعلی قران مجید شکل گرفته است .

۱- آیه ۷۳ سوره مبارکه انعام (نفخه صور)

این آیه اشاره به صور و فناء موجودات دارد.

(وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالَمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ)

در این آیه شریفه به دمیده شدن در صور که یکی از اشراف الساعه است پرداخته شده است البته در مورد معنای صور مواجه با دیدگاه های گوناگون هستیم، سه دیدگاه مطرح شده در مورد معنای صور عبارت است از:

صور مجموعه صورت ها، شکل ها، معانی و اوصاف است .

صور استعاره از رستاخیز و نشور است.

مناسب ترین تفسیری که در روایات نیز تأیید شده معنای زیر است:

از پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از معنای صور پرسیدند . فرمود شاخی است از نور که اسرافیل در آن می دمدم. (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲ / ۳۲۱- علم الیقین، ص ۲ / ۱۰۸۹) هم چنین در حدیث آمده: این شیپور دارای سوراخی است که در آن به تعداد همه ی انسان ها منفذهایی است و ارواحشان در آن جای می گیرد. (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲ / ۱۰۹۰) (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵، ص ۲۹۲) (طبرسی، ۱۳۷۲ش ح ۱۶، ص ۷۰)

۲- آیه ۱۰۲ سوره مبارکه طه (نفخه صور)

این آیه اشاره به نفخه صور دوم دارد روزی که با دمیده شدن در صور، حیات دوباره به موجودات باز می گردد.

(يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْجُرْمِينَ يَوْمَئِذٍ رُزْقًا) (طبرسی، ۱۳۷۲، ص ۷۰)

۳- آیه ۱۰۵ سوره مبارکه طه (حوادث قیامت - نسف جبال)

(وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا)

از آنجا که در آیات گذشته سخن از حوادث مربوط به پایان دنیا و آغاز قیامت بود، آیات مورد بحث نیز همین مساله را پیگیری می کند و در مورد نسف و متلاشی شدن کوه ها است . در تفسیر نمونه در این مورد این چنین آمده است :

«از نخستین آیه چنین برمی آید که مردم از پیامبر ﷺ در باره سرنوشت کوه‌ها به هنگام پایان گرفتن دنیا سؤال کرده بودند، شاید از این جهت که باور نمی‌کردند چنین موجودات با عظمتی که ریشه‌های آن در اعماق زمین فرو رفته و سر به آسمان کشیده قابل تزلزل بوده باشد و تازه اگر بخواهد از جا کنده شود کدام باد و طوفان است که چنین قدرتی دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ص ۳۰۲)».

۴- آیه ۹۶ و ۹۷ سوره انبیاء (خروج یاجوج و ماجوج)

این آیه به خروج یاجوج و ماجوج اشاره دارد که پس از شکستن سد ذوالقرنین اتفاق می‌افتد.
(حَتَّىٰ إِذَا فُجِّتِ يَاجُوجُ وَمَاجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ (۹۶) وَأَقْرَبَ الْوَعْدِ الْحَقِّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارِ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ)

مرحوم علامه طباطبائی (قده) در این مورد می‌نویسد:

(حَتَّىٰ إِذَا فُجِّتِ يَاجُوجُ وَمَاجُوجُ وَهُمْ مِّنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ) کلمه "حدب" - با دو فتحه - به معنای زمین‌های بلندی است که بین زمین‌های پست قرار گرفته باشد و کلمه "ینسلون" از "نسل" به معنای بیرون جستن با سرعت است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ص ۴۶۰).

۵- آیه ۱۰۴ انبیاء (حوادث آسمان، طی السماء کطی السجل)

این آیه اتفاقاتی را که در آسمان قبل از وقوع قیامت می‌افتد متذکر می‌شود.

(يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ)

منظور از این شرط (علامت) در هم پیچیده شدن آسمان است که قبل از قیامت محقق می‌شود.

۶- آیه ۱۰۱ مومنون (نفخه صور)

در این آیه شریفه نفخه صور دوم مطرح گردیده شده است که به عنوان یکی از اشراف الساعه مطرح شده است.

(فَإِذَا نَفَخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ)

۷- آیه ۵۵ سوره نور (استخلاف در زمین - قیام صاحب الزمان روحی فداه)

این آیه مربوط به یکی دیگر از نشانه‌های قیامت یعنی ظهور و قیام صاحب الزمان ﷺ می‌باشد.

(وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَا يُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ) (طباطبائی، المیزان، ۱۳۷۴، ص ۲۰۹)

۸- آیه ۲۵ سوره مبارکه فرقان (حوادث - شکافته شدن آسمان)



شکافته شدن آسمان یکی دیگر از حوادثی است که برای آسمان قبل از وقوع قیامت اتفاق می‌افتد.

(وَيَوْمَ نَشَقُّ السَّمَاءَ بِالْعَمَامِ وَنُنزِلُ الْمَلَكَةَ نَزِيلًا)

۹- آیه ۸۶ سوره مبارکه هود (در مورد صاحب الزمان (علیه السلام))

این آیه تفاسیر گوناگونی دارد که یکی از آنها اشاره به ظهور صاحب الزمان (روحی فداه) دارد.

(بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ)

در تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن در مورد این آیه شریفه آمده است .

(بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ)، بقیت خدای یعنی آنچه خدای تعالی برای شما باقی گذاشته است از حلال، شما

[را] آن بهتر است اگر هیچ ایمان داری و من بر شما حفیظ و نگاهبان نه ام. و این برای آن گفت که را

قتال فرموده بودند، یعنی بر من جز بلاغ و رسانیدن نیست و خدای است که نگاهبان اعمال بندگان

است (رازی، ۱۴۰۵، ص ۳۲۱).

در تفسیر اثنا عشری در خصوص این شریفه آمده است :

«... در اکمال الدین صدوق علیه السلام از حضرت باقر علیه السلام روایت نموده که اول نطقی که حضرت حجت علیه السلام

فرماید بعد از ظهور، این آیه شریفه باشد: (بَقِيَتْ لِلَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ) بعد فرماید: منم بقیه الله

و حجت خدا و خلیفه او بر شما. پس سلام نمی کند بر آن حضرت سلام کننده ای مگر آنکه گوید: از

قبایح باز دارم یا از عذاب محافظت کنم و یا حفظ نمایم نعمت را بر شما که به سبب افساد شما زوال

نپذیرد بلکه من رسول و پیغام رساننده و نصیحت کننده و بر من فقط ابلاغ است (حسینی شاه

عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۲/۶)».

۱۰- آیه ۴۷ سوره مبارکه کهف (حوادث قبل از قیامت)

در این آیه حوادث در آستانه رستاخیز مورد اشاره واقع شده است.

(وَيَوْمَ نُسِرُّ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَسْرَتَانَهُمْ فَلَمْ يُنْعَادِرْ مِنْهَا حَدًّا)

۱۱- آیه ۹۸ سوره مبارکه کهف (تخریب سد ذو القرنین - سدی که ذو القرنین ساخت)

این آیه به ساخته شدن سد طبق تفاسیر توسط ذو القرنین اشاره دارد و اینکه قبل از رستاخیز به امر خداوند

با خاک یکسان می شود.

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا

در تفسیر اثنا عشری در تفسیر این آیه شریفه آمده است :

(قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي :) (گفت ذو القرنین بعد از ساختن: این سد یا این اقتدار برای اتمام آن بخششی

است از پروردگار من بر بندگان، زیرا آن مانع خروج یا جوج و مأجوج می باشد. (فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي) : پس



چون بیاید وعده پروردگار من، مراد قیامت است. (جَعَلَهُ دَكَّاءَ): بگرداند آن را هموار، یعنی آن سد را از پیش راه آنها بردارد (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۱۲۰).

۱۲- آیه ۹۹ سوره مبارکه کهف (نفخه صور)

این آیه مربوط به نفخ صور اول است که یکی از اشراط الساعه است.

(وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمَاعًا)

۱۳- آیه ۸۲ سوره مبارکه نمل (دابه الارض)

این آیه در مورد یکی از نشانه‌های قیامت است که دابه الارض نام دارد که در ذیل به معنا و تفسیر آن می‌پردازیم.

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ)

در اینجا دابه الارض یکی از اشراط الساعه و نشانه‌های وقوع قیامت است که در مورد دابه الارض تفسیرهای متعددی بیان شده یکی از آنها رجعت امیر مومنان حضرت علی (علیه السلام) است یکی دیگر از این احتمالات که در مورد دابه الارض داده شده این است که، اگر این دابه انسان باشد بیرون آمدن آن خرق عادت ولی سخن گفتن او عادی خواهد بود و اگر حیوان باشد کلامش مثل خودش خرق عادت است. (

قریشی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۴)

۱۴- آیه ۸۷ سوره مبارکه نمل (نفخه صور)

نفخه صور اول هم جزء نشانه‌های قیامت است که با نفخه اول همه ی کائنات هلاک میشوند و در نفخ صور دوم دوباره همه چیز برپا می‌شود.

(وَيَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوَةٍ دَاخِرِينَ)

۱۵- آیه ۵ سوره مبارکه قصص (صاحب الزمان (علیه السلام))

(وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)

این آیه اشاره به ظهور صاحب الزمان روحی فداه دارد. مرحوم طبرسی در مجمع البیان فی تفسیر القرآن در این مورد می‌نویسد:

«پیامبران پادشاهان حقیقی هستند که در دین و دنیا مقدمند و وظیفه مردم است که پیرو آنها باشند و پا را جای پای ایشان بگذارند. (وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) و این مردم ضعیف را وارث دیار و اموال فرعون و قومش

گردانیم (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱، ص ۱۵۸)».

۱۶- آیه ۴۰ سوره مبارکه احزاب (نبی اکرم (صلی الله علیه و آله))

یکی از اشراط الساعه وجود نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است که در روایات نیز به آن اشاره شده است.

(مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا)

(طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲۰، ص ۱۳۲)

۱۷- آیه ۵۳ سوره مبارکه یس (صور)

این آیه اشاره به نفخه صور دوم دارد.

(إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ)

۱۸- آیه ۶۸ سوره مبارکه زمر (نفخه صور اول و دوم)

در این آیه شریفه در آغاز بحث نفخه صور و سپس بحث قیام انسان ها در صحنه قیامت مطرح گردیده است که بر این اساس نفخه صور قبل از تحقق قیامت محقق خواهد شد .

(وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ)

و در صور دمیده می شود پس هر که در آسمان ها و زمین است می میرد مگر کسی را که خدا بخواهد آنگاه بار دیگر در صور دمیده می شود ناگاه همه آنان بر پای ایستاده [مات و مبهوت به هر سو] می‌نگرند.

۱۹- آیه ۱۸ سوره مبارکه محمد ﷺ (این تنها جائی است که کلمه اشراط صریحا آمده است)

در این آیه شریفه به صورت صریح بحث اشراط الساعه مطرح گردیده است و آن نشان دهنده آمدن قریب الوقوع قیامت است .

(فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَلْفَىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُ ذِكْرَهُمْ) .

در تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن آمده است:

« و خداوند متعال آن را با تعبیر ماضی بکار برده است و فرموده است (فقد جاء اشراطها) که از نظر زبان شناسی اشاره به تحقق و حتمیت علائم قیامت دارد. (فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ) یعنی: انتظاری جز آمدن قیامت ندارند. (أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً) که قیامت یکباره بیاید که (أَنْ تَأْتِيَهُمْ) بدل (السَّاعَةَ) است که تقدیرش این است: (إِلَّا السَّاعَةَ اتیانها بغته) که یعنی: آیا مگر این نیست که تنها منتظرند قیامت یکباره برای آنان فرارسد؟ (فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا) یعنی: علامت های قیامت آمده است، ابن عباس گوید یعنی: نشانه‌های قیامت آمده است و پیامبر ﷺ هم جزء نشانه‌های قیامت است و پیامبر ﷺ فرمود: من و ساعت قیامت مانند این دو انگشت با هم مبعوث شده‌ایم و مقاتل گوید: از علامتهای قیامت شق القمر، و دود معین و بعثت پیامبر خدا ﷺ و نزول آخرین کتاب آسمانی است. (فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ) یعنی: پس از آنکه قیامت رسید دیگر یادآوری و اندرز و توبه چه سودی به حال آنان خواهد داشت؟ اما این نکته

لازم به یادآوری است که ما گاهی از "اشراف الساعه" به طور مطلق بحث می‌کنیم که نشانه‌های نزدیک شدن قیامت چیست؟ و گاه در مورد خصوص آیه در مورد آیه مطلب همان است که گفتیم و اما درباره نشانه‌های نزدیک شدن قیامت به طور مطلق بحثها و روایات فراوانی است که در کتب معروف اسلامی آمده است.^۱

۲۰- آیه ۲۰ سوره مبارکه قاف (نسخه صور)

این آیه اشاره به نسخه صور دوم و جمع شدن همه موجودات از اول تا آخر دنیا دارد.

(وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعِيدِ) (مکارم، ۱۳۷۲، ج ۲۱، ص ۴۵۰)

۲۱- آیه ۴۲ سوره مبارکه قاف (نسخه صور)

(يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَلِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ)

روزی که صیحه رستاخیز را به حق می‌شنوند، آن روز، روز خروج است!

۲۲- آیه ۹ سوره مبارکه طور (حوادث - مور سماء، سیر جبال)

این آیه اشاره به حادثی است که در آستانه قیامت در آسمان اتفاق می‌افتد.

(يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا)

"مور" (بر وزن قول) در لغت به معانی مختلفی آمده است، "راغب در مفردات" می‌گوید: "مور" به معنی جریان سریع است و نیز می‌گوید: گرد و غباری را که باد به هر سو می‌برد "مور" می‌گویند: در "لسان العرب" نیز آمده است که "مور" به معنی حرکت و رفت و آمد است، به معنی موج و سرعت نیز آمده بعضی نیز "مور" را به حرکت دورانی تفسیر کرده‌اند. (احمد بن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۸۴)

۲۳- آیه ۴ تا ۶ سوره مبارکه واقعه (حوادث - رج زمین - بس جبال و هبا منبث شدن را مطرح می‌کند).

این آیات هم اشاره به حوادث قبل از قیامت دارد.

(إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًا (۴) وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا (۵) فَكَانَتْ هَبَاءً مُنْبَثًّا)

۲۴- آیه ۱۳ سوره مبارکه الحاقه (نسخه صور)

(فَإِذَا نُفِّخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ)

این آیه اشاره به نسخه صور دوم دارد زمانی که همه موجودات دوباره زنده و برپا می‌شوند.

۱. منظور از جمله "فَقَدْ جَاءَ أَشْرَافُهَا" این نیست که تمام نشانه‌های قیامت در عصر پیامبر ﷺ آشکار شده بلکه منظور این است که بعضی از آنها ظاهر شده که خبر از نزدیکی قیامت می‌دهد هر چند، قسمت‌هایی از آن بعدا آشکار گردد. (تفسیر نمونه، ج ۲۱، ص ۴۵۰)

۲۵- آیه ۱۶ و ۱۴ سوره مبارکه الحاقه (حوادث آسمان و زمین - دکه زمین و آسمان و انشقاق آسمان) این آیات به حوادث زمین و آسمان اشاره دارند.

(وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً) (۱۴) (وَأَشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ) (۱۶)

در تفسیر نمونه در تفسیر این آیه شریفه آمده است :

«دو هنگامی که زمین و کوه‌ها از جا برداشته شوند و با یک ضربه درهم کوبیده و خرد شوند» (وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً). "دک" چنان که "راغب" در "مفردات" می‌گوید: در اصل "به معنی زمین صاف و نرم است" و از آنجا که برای صاف کردن یک زمین ناهموار باید آن را درهم بکوبند در بسیاری از موارد این واژه به معنی کوبیدن شدید به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۲۴، ص ۴۵۰)».

۲۶- آیات ۸-۹ سوره مبارکه مبارکه معارج (حوادث آسمان و کوه‌ها)

(يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸) وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ)

۲۷- آیه ۱۴ سوره مبارکه مزمل (حوادث ارض و جبال)

این آیه هم به حوادث قبل قیامت و بعد از نفخه صور اول می‌پردازد و از حوادثی که برای زمین اتفاق می‌افتد صحبت می‌کند.

(يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا)

می‌فرماید: "این در روزی خواهد بود که زمین و کوه‌ها سخت به لرزه در می‌آید و چنان کوه‌ها در هم کوبیده می‌شود که به شکل توده‌هایی از رمل و شن نرم در می‌آید" (يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا). (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۲۵، ص ۱۸۶)

۲۸- آیه ۸ سوره مبارکه مدثر (صیحه آسمانی)

این نفخه صور مربوط به نفخه صور دوم است که تمام مردگان با شنیدن آن زنده می‌شوند.

(فَإِذَا تُقْرِفِي النَّاقُورِ)

کلمه "نقر" به معنای کوبیدن و کلمه "ناقور" به معنای هر چیزی است که به آن می‌کوبند تا صدا کند. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۳۳)»

۲۹- آیه ۷-۸-۹ سوره مبارکه قیامت (برق بصر - خسف قمر - جمع شمس و قمر)

(فَإِذَا بَرِقَ الْبَصْرُ (۷) وَخَسَفَ الْقَمَرُ (۸) وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ)

در این آیه شریفه نخست به حوادث قبل از رستاخیز یعنی تحول عظیمی که در دنیا پیدا می‌شود و نظام آن متلاشی می‌گردد اشاره کرده می‌فرماید: "هنگامی که چشمها از شدت هول و وحشت به گردش درآید

و مضطرب شود" (فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ) و زمانی که ماه بی نور و منخسف گردد" (وَ حَسَفَ الْقَمَرُ). و زمانی که خورشید و ماه در يك جا جمع شوند" (وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۱۳۳) ۳۰- آیه ۸- ۹- ۱۰ سوره مبارکه مرسلات (طمس نجوم و فرج آسمان و نسف جبال)

این آیات مثل آیات آورده شده در قبل همه به حوادث زمین و آسمان قبل از وقوع قیامت اشاره دارد.

(فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ (۸) وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ (۹) وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ)

در تفسیر نمونه آمده است: « (فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ) و آسمان (کواکب آسمان) از هم شکافته شود" (وَ

إِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ)" و زمانی که کوه‌ها از جا کنده شود" (وَ إِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ).»

۳۱- سه آیه ۱۸-۲۰ سوره مبارکه نبأ (نفخه صور - فتح آسمان - سیر جبال)

این آیات هم به حوادث مقارن نفخه صور دوم می پردازند.

(يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا (۱۸) وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا (۱۹))

۳۲- آیه ۶-۸-۹ نازعات (نفخه صور - نفخه صور دوم - وجف قلب - خشوع ابصار)

(يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّجِيفَةُ) (۶) معاد تنها با يك صیحه عظیم رخ می دهد!

۳۳- آیه ۳۳ سوره مبارکه عبس (نفخه صور)

این آیه اشاره به صیحه دوم یا صور دوم دارد که باعث بیداری و حیات همه ی موجودات دارد.

(فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ)

هنگامی که آن صدای مهیب (صیحه رستاخیز) بیاید (کافران در اندوه عمیقی فرو می روند).

۳۴- آیات ۷ سوره مبارکه تکویر (تکویر شمس - انکدار نجوم - سیر جبال - عطل عشار - آتش گرفتن

دریاها)

این آیات نشان دهنده اتفاقات بعد از صور اول هستند، تحول کائنات پس از نفخه صور اول. در این آیه پیچیده شدن خورشید عبارت دیگر خاموش شدن آن است شاید مراد از تکویر شمس انقباض آن باشد که

در اثر خاموش شدن منقبض خواهد گردید. (قریشی، ۱۳۶۱: ۵/۱۶۸)

(إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ (۱) وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ (۲) وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ (۳) وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ (۴) وَإِذَا

الْوَحُوشُ حُسِرَتْ (۵) وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ (۶) وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ)

۳۵- آیات ۱ تا ۳ سوره مبارکه انفطار (انفطار سماء - انتثار کواکب - تفجیر دریاها)



این آیات اشاره به تحولات کائنات قبل از وقوع قیامت دارد. انفطار از ریشه فطر به معنای شکافتن و طبرسی فرموده: اصل فطر از الشق است که راغب شکافتن طولی گفته است. (قرشی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۱۹۲)

انتثر از ماده نثر به معنای پراکندن. (قرشی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۱۳) (إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ (۱) وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ (۲) وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ) خداوند متعال در این سوره شریفه هم متعرض اوضاع قیامت شده میفرماید وقتی که آسمان شکافته شود برای نزول ملائکه و ستارگان فرو ریخته و پراکنده شوند و دریاها بیکدیگر راه پیدا کرده و یکی گردند و قبرها زیر و زبر شوند و مردگان از آنها بیرون آیند در چنین وقت که روز قیامت است هر کس هر عمل خیر و شری که در زمان حیات بجا آورده و هر اثر خوب و بدی که از اعمال او بعد از مرگ باقی مانده میدانند و در نامه اعمال خود میبینند چون هر کس سنت خوبی از خود باقی گذارد هر کس بآن عمل نماید ثوابش باو میرسد و هر کس سنت بدی بگذارد هر کس بآن عمل نماید گناهش به عهده او است. (تقی، ۱۳۹۸، ص ۳۵۵-۳۵۴)

۳۶- آیات ۱ تا ۳ سوره مبارکه انشقاق (انشقاق سماء - امتداد زمین)

(إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ (۱) وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ (۲) وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ) (إِذَا السَّمَاءُ انشَقَّتْ)

(انشقاق) قریب المعنی با انفطار است، انفطار پاره شدن است، انشقاق از میان دو نیم شدن است و پاشیده شدن است که آثار قیامت است. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۴۸-۴۹)

۳۷- آیه ۲۱ سوره مبارکه فجر (دکه الارض)

این آیه اشاره به تحولات زمین دارد.

(كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكَّادًا)

(دك) به معنای پاشیده و خورد شده و ریز ریز شده است اشاره باین که آنچه روی زمین است از کوه ها و ابنیه و اشجار تمام پاشیده میشود و ریز ریز در اثر زلزله هایی که در تعقیب یکدیگر می آید چنانچه می فرماید:

(يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا لَا تَرَى فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا). (قرآن کریم

۲۰: ۱۰۵-۱۰۷)

۳۸- آیه ۱-۲ سوره مبارکه زلزال (زلزال زمین)

(إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا (۱) وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا)

مرحوم علامه طباطبائی (قده) در تفسیر آیات فوق در تفسیر المیزان می نویسد:

«در این سوره سخن از قیامت و زنده شدن مردم برای حساب و اشاره به بعضی از علامت‌هایش رفته که یکی زلزله زمین و یکی دیگر سخن گفتن آن از حوادثی است که در آن رخ داده و این سوره هم می‌تواند مکی باشد و هم مدنی.»

۳۹- آیات ۱-۵ قارعه (قارعه - عهین منفوش بودن جبال)

تحول و انهدام کوهها اتفاقاتی است که در این آیات بررسی شده است.

(الْقَارِعَةُ (۱) مَا الْقَارِعَةُ (۲) وَمَا أَذْرَتْكَ مَا الْقَارِعَةُ (۳) يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (۴) وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ (۵) فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ)

۴۰- آیات مربوط به خروج سفیانی

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ءَامِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهَ فِرْدَوْسَ أَعْلَىٰ أَدْبَارِهِمْ أَوَّ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعْنَا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا)

ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده! به آنچه (بر پیامبر خود) نازل کردیم - و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شماست - ایمان بیاورید پیش از آنکه صورتهایی را محو کنیم سپس به پشت سر باز گردانیم یا آنها را از رحمت خود دور سازیم همان گونه که «اصحاب سبت» [گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل] را دور ساختیم و فرمان خدا در هر حال انجام شدنی است! در مورد این آیه شریفه در حدیث آمده است: ... ای جابر پس آن همان سال است که اختلاف بسیاری در هر زمین از ناحیه‌ی مغرب پدید خواهد آمد و نخستین سرزمینی که خراب می‌شود شام است (سپس) در آن هنگام بر سه پرچم اختلاف خواهند نمود پرچمی سیاه و سفید و پرچم سفیانی.

۲-۴- اشراط الساعة در نهج البلاغه

بحث اشراط الساعة در هر چهار محور از نهج البلاغه یعنی خطبه‌ها و نامه‌ها و کلمات غریب و حکمت‌ها قابل پیگیری و جستجو است و امیرالمومنین علی (علیه السلام) در هر چهار محور به بعضی از آنها اشاره نموده است که روند پیگیری این بحث بر اساس بررسی اشراط الساعة در موارد ذکر شده است. در کلمات امیرالمومنین علی (علیه السلام) به دو صورت به این بحث پرداخته شده است یکی بیان این بحث به صورت کلی که طرح این مسئله به این صورت در دو خطبه ۱۹۰ و ۱۹۸ مطرح گردیده است و طریقه دیگر طرح این مسئله به صورت تفصیلی که این امر در محورهای متعددی مطرح گردیده است. محورهایی چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و صاحب الزمان (روحی فداه) و گسترش فساد در جهان و تحولات عالم کائنات و صور اول و فنا موجودات از مواردی است که امام علی (علیه السلام) از اشراط الساعة در



نهج البلاغه مطرح نموده است که بر این اساس حضرت علی (علیه السلام) به شش نشانه از نشانه های قیامت اشاره نموده است . فلسفه بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یکی از نشانه های قیامت وجود مبارک پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است ، روایتی از حضرت نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) است که آن حضرت انگشت سبابه را کنار انگشت وسط قرار داد و فرمود: « بعثت انا و الساعه کهاتین» من و قیامت مانند این دو انگشت کنار هم هستیم. (سیوطی،

۱۴۱۴، ج ۷، ص ۴۹۷) (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲۰، ص ۱۳۲) (شیخ مفید، ص ۱۸۸)

اشراف الساعه به صورت اجمالی در نهج البلاغه

نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) خطبه ها (۱-۲-۲۶-۴۳-۵۶-۷۲-۸۶-۸۹-۹۴-۹۵-۹۶-۱۰۰-۱۰۴-۱۰۵-۱۱۶--

۱۳۳-۱۴۷-۱۵۱-۱۵۸-۱۶۰-۱۶۱-۱۶۹-۱۷۳-۱۷۸-۱۸۳-۱۸۵-۱۹۰--۱۹۲-۱۹۴-۱۹۵-۱۹۶

۱۹۷-۱۹۸-۲۰۵-۲۱۳-۲۳۱- و نامه ۶۲

صاحب الزمان روحی فداه (صلی الله علیه و آله) خطبه ها (۱۳۸-۱۵۰-۱۸۲-غرائب (۱) حکمت ها(۲۰۹-۳۶۹)

گسترس فساد خطبه ها(۱۵۶-۱۸۷-۳۶۹-۴۶۸)

تحولات عالم (در این محور امور متعددی مطرح شده است .) خطبه ها(۱۰۹-۱۸۶-۱۹۵)

صور اول خطبه ها(۱۵۷-۱۹۵)

فنای موجودات خطبه (۱۸۶)

۲-۵- موارد بکار رفته بینامتنیت (تناص) در قرآن مجید و نهج البلاغه

اولین مورد بینامتنیت؛ خطبه ۱۶۰

این خطبه در مورد رسول الله (صلی الله علیه و آله) است که یکی از مشترکات بیان شده در قرآن و نهج البلاغه است.

(وَلَقَدْ كَانُوا فِي رِسُولٍ لَّهُمْ كَافٍ فِي الْأُسُوهِ)

و پیروی کردن از (رفتار) رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای تو کافی است. (خطبه ۱۵۸)

(لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسُوهُ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا) (قرآن کریم

۳۳: ۲۱)

مسئلاً برای شما در زندگی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سرمشق نیکویی بود برای آنها که امید به رحمت خدا و روز

رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند.

رابطه بینامتنیت بین خطبه و آیه مذکور نفی متوازی است زیرا از قسمتی از جمله ی آیه در این خطبه

استفاده گردیده است و البته با همان مضمون و یادآور می شود همان سبک و سیره نبوی برای شما کافی

است یعنی روش و سیره نبوی شما را به منزلگاه اصلی میرساند کافی است اطاعت کنید .

۲- دومین مورد بینامتنیت؛ خطبه ۱۹۰ نهج البلاغه

در این خطبه امیرمؤمنان علی (علیه السلام) با ظرافت تمام به چند نکته اشاره فرموده‌اند:

الف: ظهور پیامبر ﷺ خود از اشراط الساعه و نشانه‌های قیامت است.

ب: قیامت نزدیک است اقتربت الساعه.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید:

(احمد شکر الانعامه واستعینه علی وظایف حقوقه، عزیز الجند، عظیم المجد واشهد ان محمدا عبده ورسوله ودعالي طاعته... فالله فالله عباد الله. فان الدنيا ماضیه بكم علی سنن وانتم والساعه فی قرن وکانها قد جاءت باشرطها وازفت بافرطها ووقفت بكم علی صراطها وکانها قد اشرقت بزلازلها واناخت بکلاکها...)

خدا را! خدا را! بندگان خدا بترسید که دنیا شما را به راهی می‌راند که به قیامت رساند، شما و قیامت بسته بک ریسمانید. و از هم جدا نمی‌مانید. گویی قیامت با نشانه‌هایش پدیدار است، و علامتهای آن آشکار، و شما را به صراط خود نگاهداشته و خواستار، با زلزله‌هایش سر رسیده و سنگینی آن بر شما بار.

و در آیه:

(فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ) (قرآن کریم ۴۷):

(۱۸)

آیا آنها [کافران] جز این انتظاری دارند که قیامت ناگهان فرا رسد (آن‌گاه ایمان آورند) در حالی که هم اکنون نشانه‌های آن آمده است اما هنگامی که بیاید، تذکر (و ایمان) آنها سودی نخواهد داشت! مفسران نظرات متعددی در باره ی این آیه دارند و یکی از آنها می‌گوید این آیه در مورد ظهور پیامبر اکرم ﷺ است و بعضی شق القمر را اشراط الساعه دانسته‌اند، در هر صورت ظهور پیامبر اکرم ﷺ در آن زمان خود از اشراط الساعه است چنانکه خود ایشان با نشان دادن دو انگشت سبابه و میانی دست خود می‌فرمایند: انا و الساعه کهاتین یعنی من و قیامت مثل انگشت‌های دست هستیم یعنی بهم نزدیک هستیم.

در این خطبه از رابطه‌ی بینامتنیت نفی متوازی استفاده شده است چنانکه مشاهده می‌کنید عین جزئی از آیه در خطبه تکرار شده است و ایشان از طریق استفاده از قسمتی از آیه دو نکته مهم را به مخاطب القا می‌کنند یکی اینکه پیامبر اکرم ﷺ خود از نشانه‌های قیامت است و دوم این که قیامت نزدیک است.

این خطبه به تحول کائنات که یکی از موارد مشترک اشراط الساعه در قرآن و نهج البلاغه است می‌پردازد.
 ...إِذَا رَجَفَتِ الْأَرْضُ رَجْفَهُ وَحَقَّتْ بِجَلَالِهَا الْقِيَامَةَ وَحَقَّ بِكُلِّ مَنْسَكٍ أَهْلُهُ وَبِكُلِّ مَعْبُودٍ عَبْدَتُهُ وَبِكُلِّ مُطَاعٍ أَهْلُ طَاعَتِهِ.

آن گاه که زمین لرزیدن گیرد و صرصر مرگ وزیدن، و رستاخیز روی آرد، با همه هراس که دارد، و به هر کیش بیروانش پیوندند و به هر پرستنده پرستندگانش و به هر مهتر فرمانبرانش.

در قرآن مجید در آیه ۶ / النازعات می‌فرماید: (يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ)

بعد از آن که با قسم‌های مؤکد وقوع قیامت به عنوان يك امر حتمی در آیات گذشته بیان شد، در آیات مورد بحث به شرح بعضی از نشانه‌ها و حوادث این روز بزرگ می‌پردازد و می‌فرماید: "این بعث و رستاخیز در روزی واقع می‌شود که زلزله وحشتناک همه چیز را به لرزه در می‌آورد" (يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ) در این خطبه از رابطه ی بینامتنیت نفی جزئی متوازی استفاده شده است چنانکه مشاهده می‌کنید عین جزئی از آیه در خطبه تکرار شده است و ایشان از طریق استفاده از قسمتی از آیه دو نکته مهم را به مخاطب القا می‌کنند.

۴- چهارمین مورد بینامتنیت؛ حکمت یا کلمات قصار ۲۰۹

این حکمت مربوط به قیام حضرت صاحب الامر امام مهدی علیه السلام می‌باشد که از موارد مشترک قرآن و نهج البلاغه است.

(وَقَالَ ﷺ لَتُعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الصُّرُوسِ عَلَى وِلْدَانِهَا وَتَلَا عَقِيبَ ذَلِكَ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ...)

امام صلی الله علیه و آله (در باره ظهور دولت حقّه آل محمد صلی الله علیه و آله) فرموده است:

دنیا بر ما (آل محمد) باز گردد و مهربانی نماید مانند بازگشت شتر بد خو و گاز گیر به بچه خویش. و در پی آن خواند: (س 28 ی 5) وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ یعنی می‌خواهیم بر آنانکه در زمین ناتوان شمرده شده اند منت نهاده (توانا و بزرگوارشان گردانیم) آنها را پیشوایان و ارث‌برندگان (زامداران دین و دنیا) قرار دهیم
 در قرآن کریم آمده است :

(الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) (قصص 5/)

و اراده کردیم که بر مستضعفین زمین منت گذارده آنان را امامان و وارثان حکومت‌ها گردانیم.



رابطه بینامتنیت در این مورد نفی کلی است زیرا از متن غائب در متن حاضر خبری نیست ولی امام علی (علیه السلام) با عبارت پردازی زیبا این مفهوم را به شنونده انتقال داده اند در شرح و هم چنین خود نهج البلاغه امام (علیه السلام) پس از این کلمات قصار (حکمت) بیان شده آیه فوق را بر زبان مبارکشان جاری فرمودند.

در اینجا رابطه بینامتنیت بین متن حاضر و غایب نفی کلی است زیرا امام علی (علیه السلام) از مفهوم این آیه بهره جسته اند و پیام ویژه خود را به مخاطب رسانده اند.

۵- پنجمین مورد بینامتنیت؛ خطبه ۱۰۹ نهج البلاغه

این خطبه به مورد مشترک قرآن و نهج البلاغه که فناء موجودات است اشاره می کند.

(وَأَرْجَ الْأَرْضِ وَأَرْجَفَهَا وَقَلَعَ جِبَالَهَا وَسَفَّهَا)

و زمین را منقلب نموده متزلزل گردانند، و کوههای آنرا از جا کنده پراکنده سازد، و از هیبت و ترس جلال و عظمت و غلبه خداوند بعضی از آن کوهها بر بعضی کوبیده شود،

(وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نُسْفًا) (قرآن کریم ۲۰: ۱۰۵)

از آنجا که در آیات گذشته سخن از حوادث مربوط به پایان دنیا و آغاز قیامت بود آیات مورد بحث نیز همین مساله را پی گیری می کند.

از نخستین آیه چنین بر می آید که مردم از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در باره سرنوشت کوه ها به هنگام پایان گرفتن دنیا سؤال کرده بودند، شاید از این جهت که باور نمی کردند، چنین موجودات با عظمتی که ریشه های آن در اعماق زمین فرو رفته و سر به آسمان کشیده قابل تزلزل بوده باشد و تازه اگر بخواهد از جا کنده شود کدام باد و طوفان است که چنین قدرتی دارد.

لذا می گوید: "از تو در باره کوه ها سؤال می کنند" (وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ).

در پاسخ: "بگو پروردگار من آنها را از هم متلاشی و تبدیل به سنگریزه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ص ۳۰۲)

رابطه بینامتنیت در این مورد نفی متوازی می باشد چون از یک واژه کلیدی آیه یعنی (نسف) استفاده نموده و کلام را فرموده اند.

۶- ششمین مورد بینامتنیت؛ خطبه ۱۵۷

در این خطبه به نفعه صور یا صور اسرافیل اشاره شده است.

(وكان الصيحة قد اتتكم والساعة قد غشيتكم وبرزتم لفصل القضاء قد زاحت عنكم الاباطيل....)



و قیامت شما را دریافته، و برای حکم بین حق و باطل نمایان شده اید (از قبرها بیرون آمده اید) در حالی که از شما نادرستی‌ها و بهانه‌ها (ی بیجا و دلایل بی‌بهره) دور گشته و از بین رفته، و حقائق بشما ثابت گردیده، و هر امری (نیک یا بد) از شما بمواضع خود باز می‌گردد (خلاصه در آنروز آنچه حق و حقیقت است واقع می‌شود، و آنچه رسیدنی است از یاداش و کیفر خواهد رسید)

واژه‌های صبحه و الساعه در آیات سوره مبارکه یس و قمر مورد بررسی قرار گرفت.

(إِنْ كُنْتُمْ إِلَّا صِيحَةٌ وَاحِدَةٌ فَأِذَا هُمُ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ) (یس/۵۳)

أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ (قرآن کریم ۵۴: ۱)

واژه‌های الصیحه و الساعه در متن حاضر با الهام‌گیری از متن غایب (قرآن) به معنای ندای قیامت بکار رفته است و نوع بینامتنیت بکار رفته از نوع نفی متوازی است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش نتایج زیر را به ارمغان آورده است:

۱- موارد مشترک اشارات الساعه بین قرآن مجید و نهج البلاغه

نبی اکرم ﷺ

صاحب الزمان روحی فداه

گسترش فساد

تحولات عالم (در این محور امور متعددی مطرح شده است.)

صور اول

فنا موجودات

۲- بیشترین روابط بینامتنی که ما بین قرآن و نهج البلاغه در امر اشارات الساعه یافت شد نفی متوازی بود به لحاظ این تکنیک می‌بایستی مقداری از متن غایب (قرآن) را در متن نهج البلاغه (متن حاضر) جستجو می‌کردیم تا بتوانیم رابطه بینامتنیتی آن را بیابیم.

۳- در شش مورد یافت شده از موارد مشترک بینامتنیت در بحث اشارات الساعه پنج مورد از موارد نفی متوازی و یک مورد نفی کلی است.

۴- برای تشخیص نفی کلی و نفی متوازی باید پژوهشگر بر علم تفسیر قرآن و علوم قرآنی و همچنین وقایع و تمامی شأن نزول‌ها احاطه داشته باشد تا با مقایسه بین متن غائب و متن حاضر بتواند رابطه بینامتنیتی آنرا کشف نماید در این جستار در حد وسع خود تا حدودی توانستیم بخشی از آن را استخراج نموده و ارائه نماییم.

۵- مواردی از اشراط الساعه که در قرآن مجید مطرح گردیده ولی در نهج البلاغه نیامده عبارت است از :
 خروج یاجوج و ماجوج (یک مرتبه در قرآن مجید مطرح گردیده است)
 حوادث آسمان (طی السماء - شکافته شدن آسمان - آشکار شدن دود در آسمان - مور سماء - دکه آسمان - سماء کالمهل) (در نه آیه شریفه مطرح گردیده است .)
 حوادث کوه ها (سیر جبال - کالهن - کئیب مهیل - عهن منفوش - نسف جبال - هبا منبث شدن - رجف جبال) (در هشت آیه مطرح گردیده است .)
 حوادث زمین (بارز گردیدن زمین - دکه زمین - رج زمین - مد زمین - زلزال زمین - رجف ارض) (در شش آیه مطرح شده است .)
 تخریب سد ذو القرنین (بر اساس غیر توقیفی بودن) (یک مرتبه)
 دابه الارض (در یک مورد مطرح شده است .)
 حوادث در مورد انسان، برق بصر - وجف قلب - خشوع ابصار (در سه آیه)
 قمر - خسف قمر - جمع شمس و قمر (در دو آیه)
 طمس نجوم - انکدار نجوم - انتشار کواکب (در سه آیه شریفه)
 تکویر شمس (جمع شمس و قمر) (در دو آیه شریفه)
 دریا ها - آتش گرفته دریاها (در دو آیه) - تفجیر دریاها (در یک آیه)
 عطل عشار (در یک آیه)
 خروج سفیانی (شش آیه)

نکته قابل ذکر این که با این که کل اشراط الساعه مطرح شده در قرآن 17 مورد است و موارد اشتراک شش مورد است لذا باید موارد افتراق 11 یازده مورد باشد در حالی موارد افتراق 13 مورد ذکر شده است که علت این امر را در عدم هم پوشانی تحولات عالم مطرح شده در قرآن و نهج البلاغه باید جستجو نمود. در قرآن مجید تحولات عالم به صورت گسترده تر مطرح گردیده است .

نهج البلاغه، ۱۳۸۷ ش، مترجم: سید علینقی فیض الاسلام، تهران: انتشارات فقیه

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، ۱۳۹۰ ش، شرح نهج البلاغه، ترجمه غلامرضا لایقی، تهران: نشر کتاب نیستان.

۲. ثقفی تهرانی، محمد، ۱۳۹۸ ق، تفسیر روان جاوید، تهران، انتشارات برهان.

۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵ ش، معاد در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، قم: مرکز اسراء.

۴. حسینی بحرانی، سید هاشم، بی تا، سیمای مهدی علیه السلام در قرآن، ترجمه: سیدمهدی حائری قزوینی، تهران: نشر کوکب.

۵. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، ۱۳۶۳ ش، تفسیر اثنی عشری، چاپ سوم، انتشارات: میقات.

۶. الخوری الشرتونی اللبنانی، سعید، ۱۴۰۳ ق، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، قم: مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.

۷. دشتی، محمد، ۱۳۷۸ ش، روات و محدثین نهج البلاغه، قم: مؤسسه امیرالمؤمنین علیه السلام.

۸. رازی، ابوالفتح حسین بن علی، ۱۴۰۵ ق، روض الجنان و روح الجنان فی التفسیر القرآن، تحقیق: محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۶۲ ش، المفردات فی غریب القرآن، قم: دارالکتاب العربی.

۱۰. ربانی گلیایگانی، علی، ۱۳۸۷ ش، عقاید استدلالی، قم: مرکز نشر هاجر.

۱۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۱۴ هـ، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، بیروت: دارالفکر.

۱۲. طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۳. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲ ش، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، طهران: انتشارات ناصر خسرو.

۱۴. طریحی، فَخْرُ الدِّین بن محمد علی، بی تا، مجمع البحرين، تحقیق: سیداحمد حسینی، المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.

۱۵. طیب، سید عبدالحسین، ۱۳۷۸ ش، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام.

۱۶. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۴ق، *نور الثقلین*، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۷. علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت: داراحیاء التراث العربی .
۱۸. علی بن ابراهیم، (بی تا)، *تفسیرعلی بن ابراهیم*، طبع سنگی. بی جا
۱۹. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، ۱۴۰۴ق، *معجم مقاییس اللغه*، تحقیق: محمد هارون، عبدالسلام، مکتب الاعلام اسلامی .
۲۰. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۶۱ش، *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷ش، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت.
۲۲. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳ش، *تفسیر قمی*، تحقیق: طیب موسوی جزایری، قم: دارالکتاب.
۲۳. کریستوا، ژولیا، ۱۳۸۱ش، *بینامتنی*، ترجمه: پیام یزدانجو، تهران: نشر مرکز.
۲۴. مسائلی، احمد، ۱۳۸۱ش، *تاریخ نبی اکرم ﷺ*، اصفهان: کانون پژوهش.
۲۵. ———، ۱۳۹۶ش، *نظریه تفسیری محی الدین عربی*، اصفهان: کانون پژوهش .
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۲ش، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه. انتشارات ناصر خسرو .
۲۷. میبدی، احمد بن محمد، ۱۳۷۱ش، *کشف الاسرار و عده الابرار*. تحقیق: علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیر کبیر.

مقاله ها

28. پسندیده، عباس، ۱۳۹۶ش، «روش مفهوم شناسی موضوعات اخلاقی و کاربست آن در مفهوم حیا»، *دوفصلنامه ی علمی پژوهشی اخلاق و حیانی*. ۷(۱) ص ۶۷-۹۶.
29. کی زاده رنانی، علیرضا و قربانی، سمیه، ۱۳۹۸ش، «بینامتنیت دعای چهارم صحیفه سجادیه و قرآن». *فصلنامه مطالعات قرآنی*. ۱۰(۳۸) ص ۸۵-۵۱.